

درباره انتخابات

۱. حق رأی در ایران

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۸۵۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی

مهر ماه ۱۳۸۶

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۳
گفتار اول - مفهوم حق رأی	۴
گفتار دوم - ویژگی حق رأی در ایران	۶
۱. حق رأی در قوانین و مقررات	۷
۲. سکوت قانون	۱۱
گفتار سوم - اعمال حق رأی	۱۶
۱. شرایط آسان برای برخورداری از حق رأی	۱۶
۲. برخی مباحث درخصوص وضع موجود	۱۹
گفتار چهارم - موانع و راهکارها	۲۴
منابع و مآخذ	۲۶



در بر می‌گیرد، ویژگی‌های فرد رأی دهنده در ایران است که نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات انتخاباتی است. اصلی، اکتسابی و تبعی بودن تابعیت در کشورهای دیگر از جمله مواردی است که در قانون تفکیک شده و برای هر کدام حق قابل شده‌اند که با توجه به آنکه در ایران تابعیت با قید عام در حق رأی مدنظر است نیازمند بازنگری است.

در حالی‌که حداقل سن رأی دهنگان، چالش برانگیزترین ویژگی حق رأی در قوانین و مقررات انتخابات ایران است. اولاً در انتخابات مختلف رقم‌های گوناگونی از جمله ۱۵، ۱۶ و ۱۸ مقرر شده که باید یکسان‌سازی شود. ثانیاً با توجه به اینکه از میان ۱۴۴ کشور جهان ۱۲۲ کشور ۱۸ سال را برای حداقل سن رأی دهنده پذیرفته‌اند، ایران نیز (با گذشت قریب به ۳۰ سال از انقلاب اسلامی) می‌تواند ۱۸ سال تمام را برای سن رأی دهنده در تمامی انتخابات اعلام نماید.

در ایران رأی دادن به صورت مکاتبه‌ای یا به شکل نمایندگی به رسمیت شناخته نشده و رأی امتیازی است که رأی دهنده باید شخصاً به اعمال آن مبادرت کند. شرط سکونت، شرط اهلیت اخلاقی و ایجاد امکان مشارکت همیشگی هموطنان خارج از کشور از جمله موضوعاتی هستند که قانون‌گذار می‌تواند در اصلاح قوانین و مقررات انتخاباتی کشور مدنظر قرار دهد.

درباره انتخابات

۱. حق رأی در ایران

چکیده

حق رأی از جمله حقوق سیاسی افراد یک جامعه است که اغلب در قوانین اساسی کشورها و همچنین اعلامیه‌های بین‌المللی اهم ویژگی‌های آن آمده است.

حق رأی در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان راهکار عادلانه برای توزیع منابع قدرت سیاسی در جامعه به منظور تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی مورد پذیرش و اعمال قرار گرفته است. اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آرای عمومی اداره شود». در اصول دیگر قانون اساسی از جمله اصول ۶۲ و ۱۱۴ به اهم ویژگی‌های حق رأی در انتخابات اشاره شده است. مستقیم بودن، مخفی بودن و همگانی بودن از جمله این ویژگی‌ها هستند که در قوانین عادی و آئین‌نامه‌های اجرایی به ویژگی‌های جزئی‌تر و نحوه اعمال حق رأی پرداخته شده است. این در حالی است که برخی ویژگی‌ها به صراحت در قوانین و مقررات ذکر نشده و قانون‌گذار درخصوص آن‌ها سکوت اختیار کرده است. اختیاری بودن و شخصی بودن حق رأی از آن جمله‌اند.

سه‌ویژگی تابعیت جمهوری اسلامی ایران، بلوغ سیاسی یا شرط حداقل سن رأی دهنده (۱۸ سال تمام) و نیز سلامت عقلی که عاقل بودن یا مجنون نبودن را



مقدمه

گفتار اول - مفهوم حق رأی

از دیدگاه دو مینیک روسو حقوقدان بر جسته فرانسوی، که قائل به رابطه‌ای قراردادی میان جامعه و حکومت است، حق رأی وسیله مناسبی برای اجرای قرارداد ملت - دولت به شمار می‌رود. در این نگاه ارزش حق رأی یک ارزش ابزاری است. در دیدگاهی دیگر حق رأی میان قدرت شهروندان و مشارکت آن‌ها در مناسبات سیاسی است. در اینجا دیگر نمی‌توان حق رأی را وسیله‌ای برای اجرای قرارداد اجتماعی دانست بلکه حق رأی خود نوعی اعمال قدرت و مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی است. چنان‌که روسو تصریح می‌کند حاکمیت به وسیله حق انتخاب و حق تصمیم انتخاباتی شهروندان نمود پیدا می‌کند.^۱

جامعه‌ای که اعضای آن، خود را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش بر می‌شمرند، برخورداری از حق رأی و توانا بودن در اعمال این حق را تجلی چنین حاکمیتی ارزیابی می‌کنند. در واقع مردمی که از فضیلت آگاهی برخوردارند و به سهم خود در حاکمیت واقف‌اند و بر حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش اصرار می‌ورزند، در طبیعتی ترین شکل ممکن، حق رأی را ابزاری مؤثر در گزینش هیئت حاکم مطلوب محسوب می‌کنند، اینان سازندگان حکومتی مطلوبند.^۲

این حق از جمله مواردی است که در بیانیه‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی - که موضوع آن‌ها حقوق سیاسی افراد جامعه است - تأکید شده است. مطابق ماده (۲۱)

۱. گرجی، علی‌اکبر، «نسبت حق رأی و مردم‌سالاری»، توسعه، ۱۲۸۴/۴/۲۱.

۲. شریف، محمد، «حق رأی، تجلی حاکمیت تقسیم شده»، ایران، ۱۳۸۰/۳/۹.

حق رأی از جمله حقوق سیاسی شهروندان است که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ابتدا به‌منظور آن در همه‌پرسی به اجرا گذاشته شد و اکنون با گذشت قریب ۳۰ سال و برگزاری انتخابات متعدد، نهادینه شده است. حق رأی در اغلب کشورهای جهان از ویژگی‌هایی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تابعیت، حداقل سن رأی‌دهندگان، اهلیت مدنی و اخلاقی؛ علاوه بر این موارد موضوعاتی همانند تنظیم فهرست انتخاباتی، شرط سکونت، اهلیت اخلاقی، مشارکت همیشگی اتباع خارج از کشور، نظام نمایندگی یا مکاتبه‌ای رأی دادن، محدودیت جنسی، محدودیت نژادی، شرط مالیاتی، شرط شایستگی، محرومیت برخی گروه‌های اجتماعی (افراد و افسران نظامی، دانشجویان، کارکنان ناظر بر انتخابات و...) و شرط نداشتن نقص عضو در شکل محدودتری در کشورها اعمال می‌شود. در مقایسه با قوانین و مقررات انتخاباتی قبل از انقلاب اسلامی، شرایط برخورداری از حق رأی در جمهوری اسلامی آسان‌تر شده است. با توجه به اینکه بیش از چهل بار قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری اصلاح شده است، بازنگری در این قوانین و بررسی دقیق حق رأی در ایران ضروری به‌نظر می‌رسد.



گفتار دوم - ویژگی حق رأی در ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی‌ترین ميثاق جامعه مدنی و سیاسی کشور بر حاکمیت مردم در نظام جمهوری اسلامی تأکید دارد که اولین گام که اساسی‌ترین آن نیز است با رأی مردم تحقق می‌یابد.

در این راستا می‌توان اصول زیر را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد:

۱. اصل همگانی بودن مشارکت مردم در تعیین سرنوشت‌شان، که این مشارکت متفکرانه و عاقلانه و حالت رأیی و اندیشه‌ای دارد، این اصل گام اول مردم‌سالاری است.
۲. اصل تصمیم اکثریت.
۳. اصل جابه‌جایی قدرت، امکان جابه‌جایی در قدرت ضرورتاً محدودیت دوره زمانی است.^۱

بی‌تردید حق رأی در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان راهکار عادلانه برای توزیع منابع قدرت سیاسی در جامعه به منظور تحقق عدالت سیاسی - اجتماعی مورد پذیرش و اعمال قرار گرفته است.

اهمیت حق رأی از آن منظر است که تأثیر مستقیم بر نرخ مشارکت انتخابات و نتایج آن و نیز تحقق آزاد و عادلانه بودن آن دارد و در واقع در کشورهای مختلف ویژگی‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد.

ویژگی‌های حق رأی در ایران را در دو بخش بررسی می‌کنیم: ۱. حق رأی در

اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد در دولت کشور خود به طور مستقیم یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند، مشارکت داشته باشد، همچنین باید اراده مردم اساس قدرت دولت باشد. این اراده باید خود را در انتخابات سالم و متواლی، با برخورداری عموم از حق رأی برابر و استفاده از آرای مخفی یا روش‌های رأی‌گیری آزاد مانند آن، نشان دهد».

همچنین براساس ماده (۲۵) ميثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون محدودیت‌های غیرمعقول در اداره عمومی، مبادرتًا یا به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب می‌شوند، شرکت نماید. در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام می‌شود و تضمین‌کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب شود.

شورای اتحادیه بین‌ال المجالس در اجلاس یکصدوپنجاه و چهارم خود (پاریس ۲۶ مارس ۱۹۹۴) به اتفاق آرا اعلامیه‌ای را به تصویب رساند و ضمن آن معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه را تعیین نمود و از دولتها و پارلمان‌های جهان درخواست کرد که در اجرای انتخابات، اصول و معیارهای مندرج در آن را اعمال نمایند. در ماده (۱) این اعلامیه اقتدار دولت منبعث از اراده مردم بر شمرده شده، مردمی که در انتخابات واقعی، آزاد و منصفانه و در ادوار منظم رأی‌گیری، مساوی و مخفیانه شرکت می‌کنند.^۱

۱. هاشمی، محمد، «قانون اساسی و حاکمیت مردم»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، سال دوم، ۱۳۸۲.

۱. گای اس، گودوین گیل، «انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق رویه بین‌المللی»، ترجمه: سیدقاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ص ۱۴۷.



در این راستا می‌توان به ماده (۱۰) قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده (۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده (۵) قانون انتخابات و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان و ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان اشاره کرد. همچنین ماده (۱۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور نیز بر مستقیم بودن انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا - که بیشتر ماهیت محلی دارد - تأکید می‌کند.

۱-۲. مخفی بودن

رأی می‌تواند به صورت مخفی یا آشکار (علنی) ابراز شود. با وجود آنکه برخی از اندیشمندان سیاسی علنی بودن رأی را عاملی در دست مردم عادی برای بهره‌گیری از نظر نخبگان جامعه می‌دانند اما تجربه ثابت کرده است که هر اندازه حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر باشند، انتخابات علنی آزاردهنده‌تر است. در واقع رأی مخفی باعث می‌شود تا رأی‌دهنده بدون ترس یا ملاحظه‌کاری و با آزادی کامل رأی خود را ارائه کند. ویژگی مخفی بودن رأی، در اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است. قانون‌گذار عادی نیز بارها بر این خصیصه مهم رأی صحه گذاشته است.

ماده (۶۵) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌دارد: نماینده فرماندار یا بخشدار و اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رأی دادن و انتخاب نامزد یا نامزدها مخفی و به صورت کاملاً آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام گیرد.

در این خصوص تبصره «۱» ماده (۴) قانون الحق چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۵/۵/۹) مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۳

قوانين و مقررات، ۲. سکوت قانونی، که در بخش نخست ویژگی‌های رأی در قوانین و مقررات مربوط به انتخابات از جمله قانون اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت دوم ویژگی‌هایی که به جهت سکوت قانون‌گذاران به خصوص قانون اساسی و قوانین عادی، رفتار انتخاباتی بر آنان صحه گذاشته است.

۱. حق رأی در قوانین و مقررات

۱-۱. مستقیم بودن

انتخابات غیرمستقیم در ایران، در مدت زمانی به نسبت طولانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای انتخاب نماینده‌گان مجلس شورای ملی و نیز سناتورها وجود داشت. به این ترتیب که در ابتدا شهروندان به وسیله انتخابات، با اکثریت نسبی، افرادی را انتخاب می‌کردند. سپس این برگزیدگان تحت شرایطی از بین خود، نماینده‌گان مجلس شورای ملی یا سناتورها را انتخاب می‌کردند.

پس از انقلاب اسلامی انتخابات از منظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی و آنچه که در قانون اساسی نامبرده شده - اعم از ملی و محلی - به صورت مستقیم برگزار می‌شود.

اصل ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد:

«رئیس جمهور برای مدت ۴ سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود».

اصل ۶۲ این قانون می‌افزاید:

«مجلس شورای اسلامی از نماینده‌گان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد».



امور کشور باید به انتکای آرای عمومی، از راه انتخابات، اداره شود. همچنین قوانین و مقررات انتخاباتی، از جمله ماده (۱۰) قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده (۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ (انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی خواهد بود) و نیز ماده (۱۷) قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، به همراه ویژگی‌های مخفی و مستقیم رأی به این خصیصه نیز اشاره می‌نمایند. لذا شهروندان ایرانی، از هر قوم، دین، جنسیت یا غیره باشند؛ از حق شرکت در انتخابات بهره‌مندند. ویژگی موضوع رأی همگانی در قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ به شکل بارزی عنوان شده است. ماده (۱) این قانون مقرر می‌دارد:

همه‌پرسی از آحاد ملت مطابق مقررات این قانون انجام می‌گیرد به نحوی که اقسام جامعه با آزادی کامل نظر خود را درباره موضوع که به آرای عمومی گذارده می‌شود؛ به یکی از دو صورت زیر اعلام کنند:

الف) آرای ب) نه

برای اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی نیز این حق به رسمیت شناخته شده است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی، پیروان ادیان یهود، مسیحیت و زرتشت می‌توانند نمایندگان مخصوص خودشان را جهت نمایندگی آنها در نهاد قانون‌گذاری انتخاب نمایند. به علاوه این امکان برای آنها وجود دارد تا در صورت علاقه‌مندی به جای رأی دادن در حوزه‌های مخصوص خود، در حوزه‌های انتخابیه عمومی، حق رأی خود را اعمال نمایند.^۱

^۱ مدنی، سید جلال الدین «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، همراه، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۳، ص. ۱۶۸.

وزارت کشور را موظف می‌کند در تهیه و چاپ تعریفهای انتخابات به نحوی طراحی و عمل کند که آرای مردم مخفی بماند.

همچنین ماده (۵) قانون انتخابات و آینین‌نامه داخلی مجلس خبرگان و نیز ماده (۲) آینین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان بر «محفوی» بودن رأی تأکید دارد.

۱-۳. همگانی بودن

رأی می‌تواند به صورت محدود یا به صورت همگانی (عمومی) باشد. در واقع رأی همگانی، نتیجه تحول در «رأی محدود» است.

پیش از انقلاب اسلامی رأی محدود بود. اولین قانون انتخاباتی ایران که به «نظامنامه انتخابات اصنافی» مشهور است، شش طبقه از مردم ایران (شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف تجار، ملاکین و فلاحت و اصناف) را واجد حق رأی شناخت. زنان نیز از این حق به سبب جنسیت آنها محروم بودند.

پس از انقلاب اسلامی نظام رأی همگانی در انتخابات پذیرفته و اعمال شد. حق رأی به تمام شهروندان بدون تبعیض به خاطر مال، جنسیت، قوم، مذهب و یا غیره اعطای شد. بدیهی است که رسیدن به این نقطه از همگانی بودن رأی به آسانی حاصل نشده است. همگانی کردن رأی، به ویژه دادن حق رأی به زنان همواره با مقاومت‌های جدی مواجه بوده است. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اعطای حق رأی به زنان در یکی از کانتون‌های سوئیس - که دموکراسی مستقیم نیز در آن جا هنوز اعمال می‌شود - در سال ۱۹۹۲ آن هم به موجب تحمیل نهادهای فدرال بر این کانتون صورت گرفت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۶ خود از ویژگی عمومی بودن رأی سخن به میان آورده است. این اصل مقرر می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران



استفاده از فعل «می‌تواند» خود گویای نوعی اختیار است که در واقع دادن رأی را در صلاحیت شخص قرار می‌دهد.

در عمل نیز ویژگی اختیاری بودن رأی به راحتی پذیرفته شده است. لذا رأی دادن در ایران، کاملاً به عنوان یک حق پذیرفته شده است نه یک تکلیف قانونی.

۲-۲. شخصی بودن

رأی می‌تواند شخصی یا غیرشخصی باشد. رأی شخصی به این معناست که رأی «امتیازی است که رأی‌دهنده باید شخصاً به اعمال آن مبادرت ورزد». در جمهوری اسلامی ایران، رأی، شخصی است. در واقع قانون‌گذار همیشه این موضوع را در نظر داشته که عملیات رأی دادن مهم است از این حیث که رأی‌دهنده خودش بر سر صندوق رأی حاضر شود.

قوانين و مقررات انتخاباتی مربوط به مرحله اخذ رأی تلویحاً اشاراتی به برخی از جنبه‌های شخصی بودن رأی دارند؛ اما هیچ‌گاه از آن نام نمی‌برند.

در این خصوص می‌توان به ماده (۱۲) دستورالعمل وظایف ناظرین شبعتنام و اخذ رأی از آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۶۰/۴/۲۳ اشاره می‌کند:

هیچ فردی نباید با شناسنامه دیگری و به جای دیگری رأی بدهد حتی اگر از نزدیکان و بستگان مراجعه‌کننده باشد. هر فرد حق دارد به نام خود و با شناسنامه خود رأی بدهد.

همچنین بند «خ» ماده (۴) دستورالعمل فوق الذکر بر این نکته تأکید دارد که نظر رأی‌دهنده مشخصاً متعلق به خود وی بوده و شخصاً باید رأی دهد. برای این نظر نیز

۲. سکوت قانون

برخی ویژگی‌های حق رأی به صراحة در قوانین و مقررات انتخاباتی نیامده و قانون‌گذار صراحةً از این موارد نام نبرده است، هر چند آن‌ها را از نظر نیز دور نداشته و در موقعی به برخی از جنبه‌های آن‌ها اشاره‌هایی در قوانین و مقررات آورده است. در این راستا باید از ویژگی‌های اختیاری و شخصی بودن رأی نام برد.

۱-۱. اختیاری بودن

امروزه به دلیل تحول مفهوم رأی، اکثر دولت - کشورها با توجه به این‌که حاکمیت ملی را به رسمیت می‌شناسند، رأی دادن را به عنوان یک حق شهروندی در نظر می‌گیرند نه یک وظیفه قانونی. دولت - کشورهایی که شرکت در انتخابات را اجباری می‌نمایند، برای شهروندانی که بدون دلیل موجه اقدام به رأی دادن نکنند، مجازات‌هایی همچون انتشار اسامی آن‌ها و یا جریمه‌های مالی در نظر می‌گیرند. لذا برخی بر این باورند که با در نظر گرفتن رأی اجباری، می‌توان از عدم استقبال عمومی جهت شرکت در انتخابات پیشگیری کرد.

قانون‌گذار ایرانی در قوانین و مقررات انتخاباتی هیچ نوع رأی اجباری را در نظر نگرفته‌اند. در برخی مواد قانونی به صورت تلویحی بر اختیاری بودن حق رأی اشاره شده است.

ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان، مصوب ۱۳۶۱/۷/۱۸ مقرر می‌دارد:

در هر دوره انتخاباتی، هر شخص واجد شرایط، فقط می‌تواند یک بار و در یک شعبه اخذ رأی با ارائه شناسنامه رأی بدهد.



پیش‌بینی‌هایی کرده است از جمله تبصره ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ که برای ایرانیان خارج از کشور است، مقرر می‌دارد: رأی‌دهندگان در خارج از کشور در صورت همراه نداشتن شناسنامه می‌توانند با ارائه «گذرنامه» معتبر ایرانی، رأی دهنده.

یا شرایط ویژه را برای انتخابات در نظر گرفته و بالطبع روز اخذ رأی را در زمرة شرایط خاص قرار می‌دهد که رأی‌دهندگان امکان دسترسی به شناسنامه خود را ندارند.

ماده (۳) (بخش سوم - مرحله ثبت‌نام) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان اشعار می‌دارد:

کسانی که به علت جنگ شناسنامه در اختیار ندارند به ترتیب زیر رأی خواهند داد:
 الف) آن‌ها که کارت عکس‌دار بنیاد امور جنگ‌زدگان را دارند با همان کارت رأی می‌دهند.

ب) آن‌ها که در اردوگاه‌های جنگ‌زدگان هستند و کارت ندارند با معرفی و امضای مسئول اردوگاه در تعریف انتخاباتی، رأی خود را به صندوق سیاری که در همان اردوگاه برده می‌شود خواهند ریخت.

ج) آن‌ها که در جبهه‌ها هستند با معرفی و امضای فرمانده خود در تعریف انتخاباتی، رأی خود را به صندوق سیار می‌ریزنند.

پیش‌بینی این شرایط و این تسهیلات برای رأی‌دهندگان تنها در انتخابات مجلس خبرگان است. مشخص نیست چرا در دیگر انتخابات چنین وضعی پیش‌بینی نشده است. همچنین زندانیان، نیروهای نظامی و انتظامی و بیماران و کارمندان بیمارستان‌ها در

تمهیداتی در نظر گرفته شده است مبنی بر اینکه: «برای جلوگیری از انجام فعالیت غیرقانونی افرادی که به نحوی در امور اخذ رأی دخالت می‌کنند یا قصد اعمال نظر شخصی دارند و احیاناً برای رأی‌دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری تکلیف به خصوص تعیین می‌نمایند نماینده فرماندار یا بخشدار موظف شده‌اند تا تدبیر لازم را در این خصوص اتخاذ نمایند و با کمک ناظرین و محافظان صندوق از عمل غیرقانونی اشخاص جلوگیری به عمل آورند». با این حال، هرگز موضع‌گیری قانون‌گذار در این مورد قابل مقایسه با اهمیتی که او برای خصیصه‌های مستقیم، مخفی و همگانی رأی قائل شده نیست.

در این بحث، رأی دادن به صورت مکاتبه‌ای و نمایندگی نیز مطرح است که در قسمت موانع و راهکارها به طور مفصل توضیح داده خواهد شد و در اینجا فقط به اشاره اجمالی به آن بسنده می‌شود.

چنانچه فردی در شهر «الف» سکونت دارد و روز رأی‌گیری در شهر «ب» باشد مجبور به انتخاب نامزد شهر «ب» است، در صورتی که بتوان به صورت مکاتبه‌ای یا نمایندگی رأی داد مشکل فرد رفع خواهد شد و فرد مذکور می‌تواند به نامزد شهر خود یعنی شهر «الف» رأی دهد.

همچنین قوانین و مقررات انتخاباتی، اخذ رأی را با ارائه شناسنامه می‌دانند. ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان، مصوب ۱۳۶۱/۷/۱۸ مقرر می‌دارد: در هر دوره انتخاباتی، هر شخص واحد شرایط، فقط می‌تواند یک بار و در یک شعبه اخذ رأی با ارائه شناسنامه رأی بدهد. قانون‌گذار ایرانی در خصوص همراه نداشتن شناسنامه فرد رأی‌دهنده



گفتار سوم - اعمال حق رأی

۱. شرایط آسان برای برخورداری از حق رأی

در مقایسه با قوانین و مقررات انتخاباتی قبل از انقلاب اسلامی، شرایط برخورداری از حق رأی در جمهوری اسلامی بسیار سهولت‌تر شده‌اند. البته این شرایط دارای نواقصی است که می‌توان با تمهیدات و مکانیسم‌هایی آن را مطلوب‌تر کرد. در اغلب قوانین و مقررات انتخاباتی، ویژگی‌های رأی‌دهندگان آمده است که سه ویژگی عده دارد:

۱. تابعیت، ۲. بلوغ سیاسی، ۳. تعادل فکری.

در این رابطه ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد شرایط رأی‌دهندگان عبارت است از:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۲. هجده سال تمام، ۳. عاقل بودن.
ماده (۲۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده (۴) قانون همه‌پرسی شرایط

مذکور را چنین می‌داند:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۲. هجده سال تمام، ۳. عدم جنون.
ولی ماده (۳) فصل سوم قانون انتخابات و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، مصوب ۱۳۵۹/۷/۱۰ شرایط آسان‌تری را برای رأی‌دهنده ایرانی اعلام می‌کند:
۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران، ۲. داشتن پانزده سال تمام.
در واقع از عدم جنون یا عاقل بودن رأی‌دهنده سخنی به میان نیاورده است.

۱-۱. تابعیت

در ایران این حق سیاسی فقط برای شهروندان ایرانی، پذیرفته شده است. ماده (۲۶)



شرایط خاص نیستند و پیش‌بینی ویژگی خاصی برای آن‌ها نشده است.

در این باره تبصره «۱» ماده (۱۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ مقرر می‌دارد:

أخذ رأى در زندان‌ها و پادگان‌ها و بیمارستان‌ها نیز فقط با ارائه شناسنامه است. البته آیین‌نامه اجرایی این قانون علاوه بر موارد مذکور عبارت «نظایر این‌ها» را به مجموعه می‌افزاید که مشخص نیست منظور چه مراکز و نهادها یا اشخاصی است.

ماده (۲) از مرحله مراجعه رأی‌دهندگان آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۱ تأکید دارد که:

کلیه رأی‌دهندگان حتی افرادی که در زندان‌ها، پادگان‌ها، بیمارستان‌ها و نظایر این‌ها به سر می‌برند، با در دست داشتن اصل شناسنامه خود در محل شعبه ثبت نام و اخذ رأى حضور یافته و به ترتیب به منظور ثبت نام و دادن رأى وارد محوطه اخذ رأى می‌شوند.

از سوی دیگر در همه‌پرسی، رأی‌گیری با گذرنامه در مورد ایرانیان مسافر یا مقیم خارج از کشور پیش‌بینی شده است و هیچ صحبتی از شناسنامه به میان نیامده است که جای سؤال دارد.

ماده (۳) از مرحله مراجعه رأی‌دهندگان آیین‌نامه اجرایی قانون همه‌پرسی تصریح می‌کند که اخذ رأى از ایرانیان مسافر یا مقیم خارج از کشور با پاسپورت به عمل می‌آید.



قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده (۹) قانون انتخابات مجلس خبرگان، ماده (۲۵) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و ماده (۱۴) قانون همه پرسی به لزوم دارا بودن تابعیت ایرانی برای انتخاب کنندگان تأکید دارد. روش اکتساب تابعیت هیچ گونه نقشی در شناخته شدن این حق ندارد. برخلاف برخی کشورها که گذشت مقدار زمان خاصی پس از تحصیل تابعیت را جهت برخوردار شدن از حق رأی شرط می کنند، هیچ گونه مهلتی در ایران برای کسانی که تابعیت ایران را می گیرند، در نظر گرفته نشده است. درخصوص این بحث در چارچوب پیشنهادها و راهکارها بیشتر صحبت خواهیم کرد.

۲- بلوغ سیاسی

به منظور مشارکت در رأی دادن، رأی دهنده باید به سنی رسیده باشد که میان بلوغ و پختگی فکری او بوده، وظایف و تکاليف خود را بشناسد و در زمینه مسائل سیاسی سنجیده و عاقلانه تصمیم بگیرد.^۱ در تمامی کشورهای جهان تناسبی میان اهلیت مدنی افراد و اهلیت و بلوغ سیاسی آنها برقرار است. به طور مثال چنانچه فرد در ۱۸ سالگی به اهلیت مدنی رسیده و اجازه یابد تا درخصوص مسائل مدنی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی خود تصمیم گیری کند درخصوص حقوق سیاسی خود نیز حق تصمیم گیری دارد و می تواند حق رأی خود را اعمال کند.

در رژیم های انقلابی، گرایش به پایین آوردن حداقل سن رأی دهنده است تا از

پیشیبانی جوانان پرشور و دگرگونی طلب و انقلاب پذیر، برای توفیق در انقلاب یا تداوم آن استفاده به عمل آید.^۱

پیش از انقلاب اسلامی علاوه بر این که انتخابات صنفی و جنسیتی بود یعنی تنها اشار خاصی حق داشتند در انتخابات شرکت کنند و زنان نیز محروم بودند افراد شرکت کننده در انتخابات بیش از حداقل سن رأی دهنده کنونی (یعنی ۱۸ سال) باید سن می داشت. به طور مثال در ماده (۱۰) نظامنامه بلدیه، مصوب ۱۳۰۹ آمده است: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان که به موجب ماده (۵) قانون بلدیه باید منحصرآ از طبقات سه گانه (تجار، اصناف و مالکین) باشند به قرار ذیل است:

الف) تبعه دولت ایران باشند.

ب) سن آنها کمتر از ۲۰ سال نباشد.

ج) محکوم به جنحه و جنایت نباشند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهم ترین مباحث قانون گذار را در زمان تصویب یا اصلاح قوانین انتخاباتی تشکیل می دهد. قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب، سن بلوغ سیاسی را بر دارا بودن ۱۶ سال تمام قرار داد. مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۰ این سن را ۱۵ سال تمام تعیین کرد و در سال ۱۳۷۸ به ۱۶ سال تمام افزایش یافت. سپس دوباره در سال ۱۳۷۹ به ۱۵ سال کاهش یافت و سرانجام در ۱۳۸۵ حداقل سن رأی دهنده در قانون انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، ۱۸ سال تمام معین شد.

۱. قاضی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۲، ص ۶۹۴.





بحث محجوریت و احراز آن یا اثبات مجنون نبودن برای رأی دهنده و نیز در چارچوب مبحث شخصی بودن حق رأی از دو نظام رأی نمایندگی و مکاتبه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. حداقل سن رأی دهنگان

حداقل سن رأی دهنگان که در واقع حق رأی دادن دارند از اوایل قرن بیستم سیر نزولی داشته است. کشورهای آمریکای لاتین پیشگامان این روند بوده‌اند و حداقل سن رأی دهنده را از ۲۱ سال تمام به ۱۸ سال کاهش دادند.

کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا نیز در دهه هفتاد میلادی حداقل سن رأی را ۱۸ سال تمام اعلام کردند.

از میان ۱۴۴ کشور مستقل جهان، ۱۲۲ کشور سن ۱۸ سال را برای حداقل سن رأی دهنده پذیرفته‌اند و در ۲۲ کشور باقی‌مانده وضعیت سن رأی دهنده به شرح زیر است:

- سن رأی ۲۱ سال: جمهوری آذربایجان، ساحل عاج، فیجی، لبنان، مالزی، کویت، پاکستان و سنگاپور،

- سن رأی ۲۰ سال: کامرون، ژاپن، کره جنوبی، مغرب، تایوان و تونس،

- سن رأی ۱۹ سال: اتریش و اردن،

- سن رأی ۱۷ سال: اندونزی، کره شمالی و فلسطین،

- سن رأی ۱۶ سال: برزیل و کوبا.

تعیین حداقل سن رأی دهنده اساساً با تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع ارتباط دارد. در کشورهای انقلابی به‌ویژه در کشورهای کمونیست اروپای شرقی پس از جنگ دوم جهانی و نیز برخی کشورهای آمریکای لاتین مثل کوبا و نیکاراگوئه، دلایل

۱-۳. تعادل فکری

از جمله ویژگی‌های اهلیت افراد در قانون مدنی عاقل بودن افراد است. این ویژگی یکی از شرایط برخورداری از حق رأی است که در اینجا از آن به عنوان تعادل فکری یاد می‌شود. ماده (۳۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی عاقل بودن یا مجنون نبودن را یکی از شرایط لازم برای انتخاب‌کنندگان می‌داند. پیش‌بینی چنین شرطی کاملاً منطقی است. نکته حائز اهمیت، وضع افرادی است که مجنون نیستند اما از تصرف در امورات خود به دلایلی توسط دادگاه منع شده‌اند. این افراد توسط دادگاه تحت قیوموت افراد دیگر قرار می‌گیرند. قانون‌گذار ایرانی برای این افراد حق رأی قائل شده است. این امر کاملاً موجه به نظر می‌رسد. زیرا با توجه به نبود فهرست‌های انتخاباتی یقیناً تشخیص تحت قیوموت بودن اشخاصی که به پای صندوق‌های رأی می‌آیند، غیرممکن خواهد بود. هر چند تشخیص جنون احتمالی رأی دهنده نیز برای اعضای حاضر در شعب اخذ رأی میسر نبوده و با مشکلات جدی مواجه است.

با توجه به شرایط آسان برخورداری از حق انتخاب نمودن، هر ایرانی به راحتی می‌تواند از این حق بهره‌مند شود. اما نهاد انتخابات در عمل با کاستی‌هایی روبرو است.

۲. برخی مباحث درخصوص وضع موجود

در ادامه مباحثی از جمله حداقل سن رأی دهنگان که تا چند ماه گذشته در ایران کمترین حداقل سن رأی برای رأی دادن برگزیده شده بود و در میان کشورهای جهان، کشورمان رتبه اول را در اختیار داشت، تابعیت و اقسام آن برای رأی دادن،



حصول تابعیت ایرانی برای زوجه خارجی یا فرزند صغير خارجی با سن بین ۱۵ تا ۱۸ سال تا صدور شناسنامه فاصله باشد و در نتیجه یک تبعه ایرانی امکان برخورداری از حق رأی را نمی‌یابد.^۱

از جمله شرایط رأی‌دهندگان در نظام انتخاباتی ایران، عدم جنون است. عدم جنون به صورت کلی ذکر شده است و قیودی مانند ادواری یا دائمی ندارد، لذا حمل بر این می‌شود که فردی که دارای جنون به مفهوم عرفی آن است حق رأی دادن ندارد. در این رابطه شایان ذکر است که احراز وضعیت جنون یا عدم آن همواره برای مقام‌های اجرایی و نظارتی انتخاباتی مسئله‌ساز است زیرا ممکن است فرد مجنون در مدت کوتاه حضور در شعبه اخذ رأی، تبادر به حرکات و اعمال حاکی از جنون نکند و از آنجا که موضوع محgorیت از باب جنون در شناسنامه اشخاص قید نمی‌شود لذا فقط در شرایطی که فرد مجنون حالات دیوانه‌وار را در زمان حضور در شعبه از خود بروز دهد، امکان ممانعت از رأی دادن او وجود دارد.^۲

از سوی دیگر صلاحیت تشخیص و احراز جنون در افراد امری تخصصی و خارج از حیطه شناخت مقامات اجرایی و نظارتی انتخابات است. این در حالی است که در کشورهایی که چنین شرطی را برای رأی‌دهندگان قائل هستند فهرست اسامی رأی‌دهندگان پیش از انتخابات تهیه و با اخذ استعلامات مقتضی درخصوص جنون یا مواردی که محرومیت رأی دادن را سبب می‌شود مشخص می‌نمایند و در روز رأی‌گیری مشکلی برای مسئولان برگزاری انتخابات پیش نمی‌آید.

۱. بزرگمهری، مجید، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۶ و ۷، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۵.

۲. همان.

دیگری همانند نیاز به «گسترش مشارکت دموکراتیک» نیز عنوان شده است که البته صرف نظر از مباحث ایدئولوژیک، یکی از دلایل آن اغراض انقلابی نیز بوده است. همچنین تعیین دوره سنی جوانی، تعیین سن بلوغ و رشد و ترکیب سنی جمعیت از جمله مواردی هستند که در تعیین زمان ورود افراد یک جامعه به حضور در مشارکت سیاسی و بهطور ویژه در عرصه انتخابات با عنوان حق رأی مؤثر مدنظر قرار می‌گیرد. در ایران، حداقل سن رأی‌دهندگان در انتخابات مختلف، ارقام گوناگونی است. به طور مثال در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری حداقل سن ۱۸ سال تمام اما در همه‌پرسی این رقم، ۱۶ سال تمام است که جای بحث دارد. از سوی دیگر با وجود این‌که در قوانین انتخابات مذکور (مجلس و ریاست جمهوری) به تازگی اصلاحات تصویب شده و از ۱۵ به ۱۸ سال تغییر یافته، دولت با ارائه لایحه‌ای بر بازگشت حداقل سن در انتخابات مجلس شورای اسلامی از ۱۸ به ۱۵ سال تمام است که با عنایت به وضع اغلب کشورهای جهان این تغییر جایز نیست.

۲-۲. تابعیت و محgorیت در حق رأی

با عنایت به عام بودن قید تابعیت در مواد قانونی شرایط انتخاب‌کنندگان در قوانین انتخاباتی ایران به نظر می‌رسد کلیه اشخاص که تابعیت ایران را در روز انتخابات دارند اعم از اصلی، اکتسابی یا تبعی حق شرکت در انتخابات و رأی دادن را می‌یابند. اجرای این حق با توجه به شرایط ارائه شناسنامه در روز اخذ رأی در مواردی مشکل‌ساز است زیرا که در حالت تابعیت اکتسابی (بند «۷» ماده (۹۷۶) قانون مدنی) ممکن است بین زمان صدور سند تابعیت فرد و صدور شناسنامه فاصله باشد یا در حالت تابعیت تبعی (بند «۶» ماده (۹۷۶) و ماده (۹۸۴) قانون مدنی) باز بین زمان



۲-۲. شخصی بودن حق رأی و نظام مکاتبه‌ای و نمایندگی

در ایران رأی دادن به صورت مکاتبه‌ای یا به صورت نمایندگی به رسمیت شناخته شده نیستند و رأی امتیازی است که رأی دهنده باید شخصاً به اعمال آن مبادرت ورزد. مکاتبه‌ای و نمایندگی دو روش رأی دادن است که مزايا و معایب خاصی را به همراه دارند. در رأی دادن به نمایندگی، دارنده حق رأی تحت شرایطی، اعمال حق رأی خود را به شخص دیگری تفویض می‌کند تا به جای او در روز اخذ رأی در انتخابات شرکت کند. در صورتی که در رأی مکاتبه‌ای دارنده حق رأی شخصاً اما از طریق مکاتبه مبادرت به شرکت در انتخابات می‌کند. لذا رأی مکاتبه‌ای ناقص خصیصه شخصی بودن رأی نیست. هر دو نوع رأی دادن معمولاً برای مواردی در نظر گرفته شده‌اند که شهروند نمی‌تواند به دلایلی بر سر صندوق حاضر شود. حال این دلیل می‌تواند ابتلا به یک بیماری، کهولت سن، در مسافرت بودن صاحب حق رأی در روز رأی‌گیری یا غیره باشد.

با توجه به اینکه هر شهروند ایرانی با شناسنامه می‌تواند در هر حوزه انتخابیه رأی دهد، شاید پیش‌بینی رأی مکاتبه‌ای در حال حاضر زیاد ضروری به نظر نمی‌رسد. هر چند این امر نقیصه مهمی را به همراه دارد. زیرا اگر شهروندی در روز انتخابات در مسافرت به سر برد، نمی‌تواند در حوزه‌ای که به آن وابستگی واقعی دارد، رأی خود را به صندوق بیاندازد.

گفتار چهارم - موانع و راهکارها

در ایران هیچ‌گاه این دو روش مورد آزمایش قرار نگرفته‌اند تا قابلیت اجرایی آن‌ها یا مؤثر بودنشان در ایران مورد امتحان قرار گیرد.

تهیه فهرست‌های انتخاباتی از ضروریات اولیه پذیرفته شده در نهاد انتخابات است. این امر مانع رأی‌های مکرر یا جابه‌جایی وسیع و توده‌ای رأی‌دهندگان در روز انتخابات می‌شود. رسیدگی به شکایات راجع به تنظیم فهرست‌های انتخاباتی بر عهده دادگاه‌های عمومی است لذا هر شهروندی که راجع به ثبت نام یا عدم ثبت نام خود یا دیگران در حوزه انتخابیه‌اش اعتراض دارد می‌تواند در صورت عدم توجه به درخواست آن‌ها توسط مقامات اجرایی، به این دادگاه‌ها مراجعه کند.

معمولًاً جهت رأی دادن در یک حوزه انتخابیه دولت - کشورها لزوم سکونت در آن حوزه در مدت زمانی معین را شرط می‌دانند. نبود هیچ‌گونه شرط سکونت یا اقامت باعث جابه‌جایی توده‌ای رأی‌دهندگان در روز انتخابات می‌شود. کم نیستند رأی‌دهندگانی که به دلیل وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی یا حتی قومی و قبیله‌ای در حوزه‌های انتخابیه‌ای که در آن سکونت ندارند رأی می‌دهند. این اشخاص، در واقع برای تعیین نمایندگان حوزه‌های انتخابیه دیگر، نقش فعال ایفا می‌کنند. لازم به ذکر است در سال ۱۳۶۲ مجلس شرط سکونت را بر شرایط انتخاب‌کنندگان افزود؛ اما شورای نگهبان آن را با این دلیل که بدون بنای صحیحی موجب محرومیت عده‌ای از افراد از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن می‌گردد، مغایر با قانون اساسی شناخت.^۱

^۱. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد دوم، کیهان، ۱۳۷۱، ص ۵۷



محکومیت مؤثر کیفری وی بی برده و مانع اخذ رأی وی شوند. به موجب قوانین و مقررات انتخاباتی، همه ایرانیان، آن‌هایی که در ایران یا خارج از کشور به سر می‌برند، حق شرکت در انتخابات ملی را دارند. با وجود این قانون‌گذار مشخص ننموده که ایرانیان مقیم خارج چگونه می‌توانند در انتخابات مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان شرکت کنند. البته برای انتخابات ریاست جمهوری یا همه‌پرسی، حوزه‌های اخذ رأی در خارج از کشور پیش‌بینی شده است. با توجه به عدم امکان رأی مکاتبه‌ای یا رأی به نمایندگی، بخشی از شهروندان ایرانی که در خارج از کشور به سر می‌برند عملاً از حق رأی خود محروم می‌شوند که می‌توان به شکل مکاتبه‌ای یا نمایندگی آن را حل کرد.

در وضع کنونی، به نظر می‌رسد که پیش‌بینی چنین حالتی در ایران برای انتخابات مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان قابل پیشنهاد باشد.

منابع و مأخذ

۱. بزرگمهری، مجید، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۶ و ۷، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۵.
۲. شریف، محمد، «حق رأی، حاکمیت تقسیم شده»، ایران، ۱۳۸۰/۲/۹.
۳. گرجی، علی‌اکبر، «نسبت حق رأی و مردم‌سالاری»، توسعه، ۱۳۸۴/۴/۲۱.
۴. گودوین گیل، گای اس، «انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق رویه بین‌المللی»، ترجمه قاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۵. قاضی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، جلد اول، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

دولت - کشورها معمولاً جهت اعطای حق انتخاب کردن به شهروندان خود، لزوم اهلیت اخلاقی را مدنظر قرار می‌دهند. یعنی دارا بودن تابعیت، اهلیت مدنی و سیاسی یا سکونت در یک حوزه انتخابیه جهت برخورداری از حق رأی، کافی به نظر نمی‌رسد. یک شهروند نباید شایستگی رأی دادن را از خود سلب نماید. به عبارت دیگر او نباید مرتکب اعمالی شود که بهره‌مندی از این حق را برای خود زیر سؤال برد. به عنوان نمونه، شهروندان محکوم به مدت معینی حبس یا مرتکبان جرایمی با کیفیت خاص را می‌توان به جهت عدم اهلیت اخلاقی، از حق رأی محروم کرد. جرایمی مانند اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی، قتل، ورشکستگی به تقصیر یا موارد مشابه، این‌ها معمولاً از مواردی هستند که دولت - کشورها برای مرتکبین آن‌ها محرومیت از حق رأی در نظر می‌گیرند.

مطالعه شرایط برخورداری از حق رأی این نکته را روشن می‌کند که قانون‌گذار ایرانی محرومیت از حق انتخاب نمودن به جهت عدم اهلیت اخلاقی را، بجز در مورد انتخابات مجلس خبرگان مدنظر قرار نداده است. در واقع طبق بند «ب» از ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان، مصوب ۱۲۶۱ شورای نگهبان، محرومین از حقوق اجتماعی را از حق انتخاب کردن محروم کرده است که در واقع بدون بیان هیچ‌علتی، دیگر انتخابات از چنین شرایطی برخوردار نیستند که این امر غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

البته باید خاطرنشان کرد محرومیت از حق رأی باید با مکانیسم شرط سکونت و تنظیم فهرست‌های انتخاباتی اعمال شود در غیر این صورت شبکه اخذ رأی و در واقع مجریان انتخاباتی ابزاری برای اعمال این قاعده قانونی در اختیار ندارند یعنی نمی‌توان از طریق شناسنامه فرد رأی‌دهنده به محرومیت اجتماعی یا در واقع



۶. مدنی، سید جمال الدین، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، همراه، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۳.

۷. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد دوم، کیهان، ۱۳۷۱.

۸. هاشمی، محمد، «قانون اساسی و حاکمیت مردم»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، سال دوم، ۱۳۸۳.



شماره مسلسل: ۸۵۸۹

شناختنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره انتخابات ۱. حق رأی در ایران

Report Title: Voting in Iran

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات پارلمانی)

تئیه و تدوین: غلامعباس دارابی

ناظر علمی: ابراهیم یوسف‌نژاد

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. ایران (Iran)

۲. حق رأی (Voting)

منابع و مأخذ تئیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۷۶/۷/۱۰